

نقش اجتماع و زیارت اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی

حسین ملانوری

مقدمه

زیارت امام حسین علیه السلام در ایام اربعین که به سفارش اهل بیت علیهم السلام صورت می گیرد، در سال‌های اخیر بزرگ‌ترین راهپیمایی بشری را شکل داده است. این راهپیمایی و زیارت جمعی از ابعاد و زوایای مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. یکی از این ابعاد، تأثیر بسیار عمیق راهپیمایی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این نوشته کوتاه، پس از تعریف تمدن، عوامل ایجاد و گسترش تمدن اسلامی را تبیین کرده و سپس تأثیر زیارت جمعی اربعین را در تحقق تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تعریف تمدن

تمدن در زبان انگلیسی civilization و در عربی حصاره خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن آمده است.^۱

۱. فرهنگ فارسی، محمد معین، واژه تمدن.

تمدن در اصطلاح دارای تعاریف مختلفی است که به خاطر برداشتهای مختلف از آن ارائه می‌گردند. برخی از این تعاریف را در ذیل بیان می‌کنیم:

ویل دورانت: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند.»^۱

ساموئل هانتینگتون: «تمدن» عبارت است از: بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی.»^۲

هنری لوکاس: «تمدن پدیده‌ای به هم تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد.»^۳

ابن خلدون: ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر ابن خلدون، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حایز «مدنیت» است.^۴

علامه محمدتقی جعفری: «تمدن تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است.»^۵

۱. ویل دورانت، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیبهمی، ج ۱، ص ۳.

۲. نظریه برخورد تمدن‌ها، ساموئل هانتینگتون، ترجمه مجتبی امیری، ص ۴۷.

۳. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج ۱، ص ۷.

۴. پیامبر اعظم ﷺ بنیانگذار تمدن اسلامی، اکبر عروتی موفق؛ معرفت، بهمن ۱۳۸۵، شماره ۱۱۰.

۵. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمدتقی جعفری، ج ۵، ص ۱۶۱.

تفاوت فرهنگ و تمدن اسلامی

گاهی کلمات فرهنگ و تمدن به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما هر زمان در مقابل هم قرار گیرند، تمدن بیش‌تر به ظواهر زندگی اجتماعی توجه دارد؛ اما آن‌جا که پای معنا به میان می‌آید با فرهنگ ارتباط پیدا می‌کند. تمدن اسلامی، یعنی آن ویژگی‌های زندگی اجتماعی که متأثر از اسلام است. البته وقتی می‌گویند تمدن اسلامی، گاهی منظور تمدن مسلمان‌هاست و نسبت دادن به اسلام فقط از آن روست که کسانی که این کارها را انجام داده‌اند، مسلمان هستند.

مقام معظم رهبری مدّ ظله العالی در باره رابطه فرهنگ و تمدن فرموده‌اند: «منظور از فرهنگ، عقاید و اخلاق است. برخلاف ما که وقتی در محاوراتمان واژه فرهنگ را می‌گوییم، بیش‌تر آداب و رسوم و زبان فارسی و این حرف‌ها به ذهنمان می‌آید و وقتی ده درصد بودجه کشور را برای فرهنگ می‌گذارند، متأسفانه صرف همین‌ها می‌شود. بنابراین فرهنگ باورها و ارزش‌هاست و مسائل دیگر جنبه فرعی و ثانوی دارد. شکل‌سازی یا برخی آداب و رسوم، ماهیت فرهنگ را عوض نمی‌کند. فرهنگ جامعه‌نگامی تغییر می‌کند که باورهایش درباره هستی و انسان و ارزش‌های حاکم بر زندگی تغییر کند. اصول دین و فروع دین هم بیش‌تر به باورها و ارزش‌ها مربوط است. باورها را بیش‌تر در اصول و ارزش‌ها را بیش‌تر در فروع دین مطرح می‌کنیم. پس حقیقتاً جایی که اسلام در زندگی اجتماعی مردم اثر می‌گذارد در بعد فرهنگی است و به وسیله فرهنگ با تمدن ارتباط پیدا می‌کند. به همین خاطر مسائل فرهنگی و تمدن با هم آمیخته است، حتی یک پدیده از جهتی مربوط به تمدن و از جهتی مربوط به فرهنگ است. اگر شکل ظاهری و جهات محسوس آن را حساب کنیم، بعد تمدنی است و اگر جهات معنایی آن را در نظر بگیریم، آن بار معنایی که در بر دارد و حکایت از باور یا ارزش خاصی می‌کند، آن با فرهنگ جامعه ارتباط دارد.»^۱

۱. نشریه هفته‌نامه پرتو، سال نهم، شماره ۴۰۸.

عوامل شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی

شناخت عوامل شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی در صدر اسلام، می‌تواند یاری‌گر ما برای شناسایی عوامل تأثیرگذار فعلی جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد. از این رو برخی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تمدن اسلامی را در ذیل مطرح می‌کنیم.

۱. روح اجتماعی احکام و معارف اسلامی

یکی از دلایل سرعت شکل‌گیری تمدن اسلامی در آغاز اسلام، روح اجتماعی احکام و معارف اسلام بود. اسلام به اجتماع اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و احکام آن عمدتاً به مسائل جمعی ربط دارد. با وجود چنین باورها و ارزش‌هایی، طبیعی است که جامعه اسلامی به سرعت شکل گرفته و استحکام یابد. تا قبل از آن، مردم بیش‌تر به صورت قومی، قبیله‌ای و یا در نهایت به صورت وطنی زندگی می‌کردند؛ اما اسلام، اجتماعی از مردم را ایجاد کرد که در آن نژاد و خون و رنگ و زبان و قومیت اهمیتی نداشت، بلکه با معیار اعتقاد و ارزش‌های دینی، مردمان زیادی دور هم گرد آمدند و جامعه بزرگ دینی را تشکیل دادند.

۲. توجه ویژه اسلام به علم و دانش

در قرآن کریم، توجه فراوانی به علم و دانش صورت گرفته و خداوند دانایان را بر غیر اهل علم برتری داده است. ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ﴾؛ «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پندپذیرند.»

قرآن مجید حکمت را خیر کثیر دانسته و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ «به هرکس حکمت داده شود، خیر زیادی داده شده است.»

همچنین روایات فراوانی در باره علم آموزی وارد شده است. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ طلب علم بر هر مسلمانی واجب است.»

عَلَّامه طباطبایی درباره تأثیر قرآن بر پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی در جهان می‌نویسد: «به جرئت می‌توان گفت که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آن‌ها به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام، همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود ...، بدیهی است چنین تحولی که یکی از حلقه‌های بارز سلسله حوادث جهان می‌باشد، در حلقه‌های بعدی تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ از این رو، یکی از علل و مقدمات تحول امروزی و بسط و پیشرفت فرهنگ جهان، قرآن مجید خواهد بود.»^۲

جهاد علمی مسلمانان، یکی از عوامل بسیار مهم در گسترش تمدن اسلامی و قرار گرفتن آن در بالاترین درجات تمدنی در سطح جهان بود.

اسلام در فراگیری دانش مثبت و مطلوب تعصبی نسبت به غیر مسلمانان ندارد و یکی از عوامل مؤثر در سرعت پیشرفت تمدن اسلامی و ترقی و تعالی علوم و ادبیات در صدر اسلام، توصیه پیامبر اکرم و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به فراگیری دانش از اهل آن بود، هر چند غیر مسلمان باشند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكُلُوا بِالصَّيْنِ؛ دانش را فرا بگیرید، هر چند در چین باشد.»

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، ج ۱، ص ۹.

۲. قرآن در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، ص ۹۸.

۳. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، ج ۲۷، ص ۲۷.

امام علی علیه السلام فرمودند: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَاطْلُبُوهَا وَ لَوْ عِنْدَ الْمُشْرِكِ تَكُونُوا أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلَهَا؛ احکمت، گمشده مؤمن است؛ پس آن را بجوئید گر چه نزد مشرک باشد؛ زیرا که شما بدان سزاوارتر و شایسته تریید.»

و آن حضرت فرمودند: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ؛ حکمت، گمشده مؤمن است؛ پس حکمت را ولو از اهل نفاق باشد، فرا بگیر.»

به این ترتیب، ترجمه آثار علمی، فلسفی و ادبی از زبان‌های سُرّیانی، پهلوی، هندی و یونانی به زبان عربی، از همان سده نخست هجری آغاز شده و شتاب گرفت.

ترجمه آثار علمی تمدن‌های پیشین به عربی باعث شد که برای نخستین بار بخش عمده‌ای از دستاوردهای علمی و فرهنگی بشر تا آن زمان، کنار هم قرار گیرد. مسلمانان به طبقه‌بندی این دستاوردها و بررسی آن‌ها پرداختند و به این ترتیب راه را برای پیشرفت‌های بعدی هموار کردند. به زودی تولید علمی نیز رشد پیدا کرد و ترجمه دانش دیگران جای خود را به تألیف و نوآوری داد.

۳. نقش امامان معصوم علیهم السلام

ائمه اطهار از جهات مختلفی در شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی نقش داشته‌اند که برخی از آن جهات عبارتند از:

۱. تبیین و توضیح عقاید، باورها و ارزش‌های مکتب قرآن به اقشار مختلف مردم و تقویت پایه‌های فرهنگ اسلامی در میان ایشان؛

۲. مصون‌سازی جامعه اسلامی در مقابل تحریفها و انحرافات فکری وارداتی؛

۳. تربیت شاگردان ممتازی که بتوانند از باورها و ارزش‌های دینی دفاع کرده و

آن‌ها را در میان مردم گسترش دهند؛

۱. امالی، شیخ طوسی، ص ۶۲۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۰.

۴. پایه گذاری بسیاری از علوم مورد نیاز در جامعه اسلامی. ائمه اطهار علیهم‌السلام پایه گذار بسیاری از علوم بودند و این نقش در زندگی برخی از آنان همچون امام علی و امام صادق علیهما‌السلام پر رنگ تر است. به عنوان نمونه ابن ابی الحدید معتزلی، در مقدمه شرح نهج البلاغه، امیر مؤمنان علیه‌السلام را منشأ شاخه‌های مختلف علوم اسلامی می‌داند. همچنین، پرورش شاگردانی مانند جابر بن حیان توسط امام صادق علیه‌السلام نیاز به توضیح ندارد. مجموعه بزرگی از آثار علمی در کیمیا، فلسفه، طب، ریاضیات، نجوم و موسیقی به جابر بن حیان کوفی، دانشمند شیعی قرن دوم هجری قمری نسبت داده می‌شود.^۱

نقش اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی

در باره ارکان تمدن نظریات مختلفی مطرح است؛ اما شاید بتوان با نظری دقیق سه رکن اصلی برای آن برشمرد:

۱. نظام گرایش‌ها؛

۲. نظام اندیشه و آگاهی؛

۳. سبک زندگی و نظام محصولات.

در حقیقت زندگی انسان، از جمله حیات اجتماعی او، دارای سه مؤلفه اساسی است که در هماهنگی با یکدیگر، تمامی حوزه‌های زندگی وی را پوشش می‌دهند.^۲

۱. هرچند نام جابر بن حیان در منابع متقدم رجالی شیعه ذکر نشده است، اما شماری از تاریخ‌نگاران و زندگی‌نگاران، از جمله ابن خلکان، ابن ندیم، ابن طاووس، صفدی، سید محسن امین و صدیق حسن خان، جابر را از شاگردان امام جعفر صادق علیه‌السلام دانسته‌اند. (ویکی شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام)

۲. در این بخش، از مقاله «نقش اربعین در مهندسی تمدن اسلامی» نوشته مصطفی جمالی، نشریه مسجد و مهدویت، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۲ بهره فراوان برده ایم.

اینک نقش اجتماع و زیارت اربعین را در هر یک از این سه حوزه بررسی می‌کنیم.

۱. گرایش‌ها، عواطف و احساسات

انسان‌ها در هر یک از جوامع بر اساس علائق، عواطف و احساسات خود، به موضوعات و مسائلی میل و کشش درونی پیدا می‌کنند و از موضوعات و مطالب دیگری متنفر و گریزانند. این تمایلات در تعامل با اندیشه‌ها و افکار آنان، مبدأ بروز رفتارها و موضع‌گیری‌های ایشان است. ویل دورانت می‌نویسد: «همواره تغییر در نگرش و روش با تغییر انگیزه‌ها همراه بوده است.»^۱

بر این اساس، تمایلات اجتماعی خاستگاه شکل‌گیری تمدن برشمرده می‌شود. این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است؛ چرا که نقطه عزیمت هر شکل تمدنی به شکل دیگری، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی بوده است. به عنوان نمونه تمایل و گرایش به خوش‌گذرانی و ثروت بیش‌تر، نظام سرمایه‌داری را در غرب ایجاد کرد، به تعبیر ماکس وبر «روح نظام سرمایه‌داری، اخلاق پروتستانی است، اخلاقی با روحیه خوشگذرانی و میل به ثروت جویی و کسب درآمد بیش‌تر.»^۲

مهم‌ترین جلوه همایش عظیم اربعین بروز ناب‌ترین تمایلات انسانی برگرفته از معارف بلند اسلامی است که به خوبی می‌تواند پایه اساسی شکل‌گیری تمدن اسلامی گردد. محبت به دیگران، از سر عشق به انسان‌های دیگر احترام گذاشتن، میل به گذشتن از خود و مال خویش بر مدار حب خدا و اولیاء الهی، تفاوت جوهری با نظام تمایلات دنیای مدرن بر مدار حبّ به دنیا و خودپرستی دارد.

۱. درآمدی بر تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیبهمی، ص ۳۷۳.

۲. اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، ماکس وبر، ص ۵۴.

از اینجا می‌توان به تأثیر حادثه عاشورا در شکل‌گیری دولت کریمه مهدوی توجه نمود و از این منظر به جلوه‌های ناب تغییر تمایلات در راهپیمایی عظیم اربعین نگاه کرد. حادثه عاشورا حرارتی در قلوب مؤمنان ایجاد کرده است که هرگز سرد نمی‌شود. در راهپیمایی عظیم اربعین هم با محوریت همین حرارت و میل محوری؛ یعنی محبت امام حسین علیه السلام و عشق به آرمان‌های عاشورا، نظامی از تمایلات شکل می‌گیرد که فرهنگ سازی آن در تمامی سال می‌تواند به خوبی پایه شکل دهی تمدن اسلامی قرار گیرد. در این راهپیمایی رنگ، نژاد، ملیت و قبیله همه رنگ می‌بازد و بر پایه شعار «حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا» جامعه مؤمنینی شکل می‌گیرد که در آن ایثار و مهربانی در عالی‌ترین شکل بروز پیدا می‌کند.

۲. اندیشه و آگاهی

رکن دوم یک تمدن، اندیشه‌ها و بینش‌های تمدنی است که مبتنی بر آن، محصولات تمدنی شکل خواهد گرفت.

تحقق تمدن اسلامی تنها در سایه شبکه علوم و دانش‌های کارآمدی امکان‌پذیر است که از یک طرف ریشه در باورها و مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلام ناب باشد و از طرف دیگر در صحنه عینی بتواند با علوم رقیب خود هم‌اوردی کند و به نیازهای جامعه اسلامی پاسخ دهد. اما نکته مهم این است که تولید علوم اسلامی کارآمد تنها با حرکت نظری و فکری محقق نمی‌شود؛ بلکه این حوادث اجتماعی است که هم جهت‌گیری‌های علمی و هم ظرفیت و سرعت رشد علمی را رقم می‌زنند.

۱. پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَاةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ برای شهادت حسین علیه السلام حرارتی در دل‌های مؤمنین قرار دارد که هرگز به سردی نمی‌گراید.» (جامع‌احادیث الشیعه، سید حسین طباطبایی بروجردی، ج ۱۲، ص ۵۵۶).

نقش اجتماع و زیارت اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی ■ ۸۱

راهپیمایی عظیم اربعین با جلوه‌های ناب آن به خوبی می‌تواند محمل نظریه پردازی جدیدی برای نیل به تمدن اسلامی باشد. بسیاری از علوم موجود که عمدتاً علوم سکولار غربی هستند، از تحلیل بسیاری از روابط انسانی شکل گرفته در این زندگی مؤمنانه ناتوانند.

ما می‌توانیم از اجتماع اربعین برای ثوری پردازی علمی استفاده کنیم. مثلاً، در علوم سیاسی به دنبال تحلیل مؤلفه‌هایی همچون هویت، وحدت اجتماعی، ایجاد همدلی، مهار قدرت، جنبش‌های اجتماعی و... هستیم. با مطالعه دقیق این حادثه می‌توان به نظریه‌های جدیدی پیرامون این مؤلفه‌های مهم دست یافت. به عنوان نمونه هویت اجتماعی در این حادثه بر اساس حُب امام تعریف می‌شود و نه بر اساس ملیت و قومیت و یا هر مؤلفه دیگری که در مکاتب سیاسی دنیای امروز مطرح است. در این اجتماع عظیم وحدت اجتماعی و شکل دهی جبهه حق در مقابل جبهه باطل، بر مدار مبارزه با ظلم و استکبار و بغض نسبت به اولیاء تاریخی و اجتماعی جبهه کفر شکل می‌گیرد.

و اگر روان شناسی به دنبال شناخت حالت‌ها، عادت‌ها، فعالیت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های نسبتاً پایداری است که از انسان سر می‌زند و همواره قابل مشاهده، اندازه‌گیری، ارزیابی و پیش بینی است، در این همایش احساس آرامشی که هم زوار و هم خادمین به زوار دارند، وصف ناشدنی است. میل به خدمت به دیگران و خود را ندیدن و بلکه خود را وقف دیگری کردن و صفای بالای روحی و روانی انسان‌ها در این ایام بسیار دیدنی است. در این جامعه کوچک تمام منیّت‌ها رنگ می‌بازد و انسان‌ها در پرتو هدف متعالی و عشق برتر، به جای نزاع و کشمکش، به همگرایی و محبت به یکدیگر روی می‌آورند. تمام خیرات در این جامعه کوچک در سایه محبت به امام شکل می‌گیرد.

راهپیمایی اربعین نمونه‌ای گویا برای لزوم تغییر نگرش جامعه شناسان در تحلیل

جامعه و مؤلفه‌های اجتماعی همچون همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی است. مثلاً برخی از جامعه‌شناسان، همبستگی اجتماعی را در قراردادهای اجتماعی جستجو می‌کنند و بعضی نیز آن را برآمده از زور و اقتدار می‌دانند و در نزد برخی دیگر، همبستگی اجتماعی برآمده از جامعه است؛ اما در راهپیمایی اربعین به خوبی مشاهده می‌کنیم که چگونه محبت امام حسین علیه‌السلام بالاترین همبستگی اجتماعی را با تمام تفاوت‌های فرهنگی در بین ملل مختلف ایجاد می‌کند.

۳. سبک زندگی و محصولات

نمود یک تمدن، در سبک زندگی و محصولات تمدنی است. سبک زندگی و محصولات تمدنی همواره مبتنی بر فرهنگ و اندیشه‌های خاصی شکل می‌گیرد، از این رو خود حاصل فرهنگ و ارزش‌های خاصی است.

یکی از جلوه‌های مهم زیارت و پیاده روی اربعین، سبک زندگی مؤمنانه است. این همایش صحنه‌ای زیبا از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی را به نمایش می‌گذارد. شادابی و نشاط بالای معنوی، دستگیری از دیگران، محبت و عشق به همدیگر، رنگ باختن همه رنگ‌های نژادی و قومی، عشق به دیگران، پاکدامنی و از همه بالاتر یاد خدا و غرق شدن در معنویت، همه این‌ها خبر از امکان شکل‌گیری سبک زندگی جدیدی در دنیای پر رنگ و لعاب و خالی از هر گونه معنویت و آرامش می‌دهد. بالاترین جلوه سبک زندگی مؤمنانه در این همایش معنوی، بروز بالاترین حد ایثار است که از طرف میزبانان به نمایش گذاشته می‌شود. آنان حقیقتاً مصداق امروزی این آیه از قرآن

۱. عوامل همبستگی و گسستگی ایرانیان، عبدالرسول یعقوبی، ص ۲۶.

۲. سبک زندگی در ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است.

۳. محصولات تمدنی، منحصر در تکنولوژی نیست؛ بلکه اعم از محصولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد.

نقش اجتماع و زیارت اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی ■ ۸۳

کریم هستند که: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛ «دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خود، فقیر و نیازمند باشند.»

در اربعین این فرهنگ به خوبی در سطح عالی و بسیار گسترده رخ می‌دهد و می‌تواند الگویی برای ایجاد و گسترش سبک زندگی اسلامی باشد و تمدن نوین اسلامی را نوید دهد. به امید آن که همه ما در بهره‌گیری از ظرفیت بالای اجتماع و زیارت اربعین جهت تحقق تمدن نوین اسلامی موفق باشیم.